

بررسی میزان تأثیر سیاست‌ها و تغییرات جمعیتی بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران

مصطفی تارین^۱

چکیده

امنیت ملی، یکی از ضرورت‌های مهم هر دولت و کشوری است. بهترین و موثرترین معیار امنیت در چارچوب ماهیت دولت و ملت نیز انسجام سیاسی - اجتماعی است. کمیت و کیفیت جمعیت یک کشور، قدرت و امنیت ملی دولت را بالا می‌برد، اما شمار زیاد مردم همیشه سبب توان و کامیابی دولت نبوده است. در این ارتباط کشورهای پر جمعیت همواره نگرانی‌هایی در باره برنامه ریزی‌های خرد و کلان خود داشته‌اند. در مقابل، اگر همه شرایط و امکانات کشور مناسب بوده باشد، برخورداری از جمعیت بالا، می‌تواند به نوعی امتیاز مثبت به حساب آید، زیرا نیروی انسانی زیادی را تأمین می‌کند. از سوی دیگر، کاهش یا کاستن از نرخ تولد هم ممکن است گاه سبب خطر جدی شود. با وجود آنکه هیچ نوع محدودیت نظری و عملی در مورد جمعیت یک دولت وجود ندارد، اما جمعیت باید آن قدر باشد که بتواند سازمان و امنیت دولت را حفظ کند، و منابع سرزمینی و اقتصادی دولت نیز توان تأمین زندگی آنها را داشته باشد. از اینرو ضرورت بررسی سیاست‌های امنیتی کشورها، امری لازم و حیاتی به شمار می‌آید. در عین حال، فراسوی این عوامل کمی، در ارزشیابی جمعیت عناصر کیفی نیز مطرح است. جمعیت را نباید به طور ریاضی و عددی سنجید؛ نوع مردم بیش از شمار آنان اهمیت دارد. انسجام سیاسی، اجتماعی و فرهنگی در

بین عوامل قدرت ملی جهت دسترسی به امنیت ملی نقش مهمی را ایفا می‌کنند. لذا ایجاد توازن بین نیازهای جمعیتی و امکانات رفاهی و اجتماعی ضروری است که می‌توان با سیاست‌های جمعیتی عقلانی و کارآمد به این هدف رسید. در تاریخ انقلاب اسلامی سیاست‌های پارادوکس‌وار برای افزایش یا کاهش جمعیت ایران طراحی و پیاده شده است که خطراتی برای آینده قدرت و امنیت ملی ایجاد نموده است. هر دوی جمعیت جوان ولی بی‌کار و مطالبه‌گر و نیز جمعیت پیر و ناتوان خطر آفرین است. برخی سناریوهای محتمل نشانگر آن است که آینده فاجعه‌باری در انتظار امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران است. با انجام این پژوهش، نقش جمعیت در ارتقای امنیت و اقتدار ملی روشن و راهکارهای تحکیم اقتدار و امنیت ملی پدیدار خواهد شد.

واژگان کلیدی: تغییرات جمعیتی، امنیت ملی، سیاست‌های جمعیتی، جمهوری اسلامی ایران، مکتب کپنهاگ.

مقدمه

جمعیت به عنوان یکی از شاخصه‌های مهم امنیت ملی در یک کشور، همواره از موضوعات مورد توجه رهبران کشورها بوده است. تغییرات جمعیتی به سان دو روی سکه هستند که از طرفی باعث افزایش قدرت ملی و به تبع آن امنیت ملی یک کشور می‌شوند و از طرف دیگر می‌توانند عامل ضعف قدرت ملی و امنیت ملی کشور شوند. تأثیرپذیری امنیت از حوزه‌های مختلف سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی و ... باعث تغییر در نگرش به امنیت شده است. تغییری که امنیت را از صرف نظامی‌گری خارج کرده و به تنوع نگاه به این مقوله منجر شده است.

در صورتی که جمعیت یک کشور به لحاظ کیفیت از سطح بالایی بهره‌مند باشد، عامل افزایش قدرت ملی و به واقع امنیت ملی آن کشور می‌شود و در مقابل، در صورت عدم برخورداری از شاخص‌های مناسب کیفیت جمعیتی، چالش‌هایی را برای امنیت ملی کشور مدنظر بوجود خواهد آورد که این نشان از ارتباط مؤثر بین توسعه شاخص‌های جمعیتی و انسانی بخصوص ویژگی‌های کیفی و کمی و تأمین امنیت ملی کشورها داشته است. در حقیقت جمعیتی که از قدرت اندیشه و تعقل کافی در جهت تعالی فکری برخوردار باشد می‌تواند پارامترهای ضروری و مورد نیاز جمعیت با کیفیت را دارا باشد. در این ارتباط جمعیت کارآمد در هر کشور در گرو تأثیرگذاری مثبت و بویژه نیروی انسانی مطلع و آگاه خواهد بود که با مدیریت درست در زمینه تغییرات جمعیتی، بهره‌مندی و کارآیی مفید حاصل می‌شود.

این پژوهش در پی پاسخگویی به این مساله اساسی است که، سیاست‌ها و تغییرات جمعیتی بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران به چه میزان تأثیرگذار است؟ در این پژوهش کاهش و یا افزایش جمعیت خارج از سیاست‌های جمعیتی به عنوان امری مخاطره‌آمیز برای امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران مفروض قرار گرفته شده است. همچنین روش تحقیق در این پژوهش از لحاظ نوع تحقیق در زمره تحقیقات کاربردی است و از لحاظ روش تحقیق

توصیفی- تحلیلی با استفاده از اطلاعات و داده‌های کمی و کیفی می‌باشد. همچنین این پژوهش ترکیبی از مبانی نظری مکاتب کپنهاگ و سازه‌انگاری را به عنوان چارچوب تئوریک خود در نظر گرفته است. مکاتبی که با نگرشی نوین، تعاریف جدیدی از مقوله امنیت را ارائه کرده‌اند.

پیشینه پژوهش

توماس سوبوتکا و همکاران (۲۰۱۹) در اثری ارزشمند با نام پاسخ‌های سیاستی به باروری پایین، با ترکیب خلاقانه‌ای از شواهد تجربی مداخلات سیاستی و مطالعات ارزیابی تأثیر سیاستی بر شاخص‌های باروری دوره‌ای و نسلی، به ارائه شواهدی دقیق و معتبر از تأثیرات سیاست‌ها و برنامه‌های حمایت از خانواده بر افزایش باروری در کشورهای مختلف می‌پردازد. این کتاب در سال ۱۳۹۹ توسط رسول صادقی و میلاد بگی به فارسه ترجمه شد. این کتاب بعد از بحث پیرامون پیچیدگی، مسائل و چالش‌های اندازه‌گیری پیوند سیاست‌گذاری و تغییرات باروری، با ارائه شواهد تجربی به ارزیابی اثرات سیاست‌های مختلف بر افزایش باروری می‌پردازد و در نهایت به این پرسش پاسخ می‌دهد چه عوامل و شرایطی باعث شده برخی کشورها در سیاست‌های افزایش باروری موفق باشند و برخی دیگر ناموفق. در جمع‌بندی از کتاب مطرح می‌شود که موفقیت سیاست‌ها و برنامه‌های افزایش باروری بستگی به بودجه و برنامه‌های اجرایی منسجم و پایدار از یک سو، و شرایط اقتصادی و اجتماعی پیرامونی خانواده‌ها (نظیر سطح تحصیلات، وضعیت اقتصادی و سایر مشخصه‌ها) از سوی دیگر دارد. اگر سیاست‌ها توان پاسخگویی به نیازهای مختلف افراد در موقعیت‌های متفاوت زندگی را داشته باشند، امکان اثرگذاری بیشتری بر افزایش باروری دارند. بنابراین، تأثیر بالقوه سیاست‌های حمایت از خانواده بر تصمیمات و رفتارهای فرزندآوری بستگی به این دارد که یک سیاست چگونه توسط مردم درک می‌شود و در رابطه با مسیر و دوران زندگی فعلی و آینده آن‌ها چه چیزی را نشان می‌دهد. مطالب کتاب

می‌تواند الگوها و درس‌های ارزشمندی برای سیاست‌گذاری در حوزه افزایش باروری در ایران فراهم کند. از اینرو، مطالعه کتاب برای دانشجویان و محققان علاقمند به مسائل جمعیتی و سیاست‌های اجتماعی و همچنین سیاست‌گذاران و برنامه‌ریزان حوزه جمعیت و خانواده پیشنهاد می‌شود.

فتح‌الله کلانتری و کاظم سام دلیری (۱۳۹۸) در کتاب جمعیت و دفاع ملی روشن می‌کنند که جمهوری اسلامی ایران بایستی جمعیت زیاد را فرصت بداند یا تهدید؟ اگر جمعیت زیاد تهدید است؛ این تهدیدات کدامند و اگر فرصت است، فرصت‌ها کدامند؟ بالعکس کمبود جمعیت چه ویژگی‌هایی دارد؟ اگر جمعیت کم بد است، چرا کشور سنگاپور با جمعیت معدودی که دارد، توانسته است رشد و توسعه خیلی خوبی داشته باشد. کشورهای سوئیس و سوئد با جمعیت معدودی که دارند توانسته‌اند بالاترین رشد اقتصادی و توسعه و پیشرفت را برای خودشان به ارمغان بیاورند. از طرفی شاهد هستیم که کشور چین از جمعیت زیادش بهره‌برده و توانسته است اقتصاد جهان را تحت تأثیر قرار دهد و کشور هندوستان با بهره‌گیری از جمعیت زیاد خود در حال تبدیل شدن به یکی از ابرقدرت‌ها و قدرت‌های مهم اقتصادی در دنیاست.

صالح قاسمی (۱۳۹۶) در کتاب کندو: بررسی ارتباط متقابل جمعیت، اقتصاد و امنیت به تعامل جمعیت و اقتصاد و رابطه متقابل جمعیت و امنیت پرداخته است. صالحی در این کتاب معتقد است که در عصر حاضر، اکثر صاحب‌نظران اقتصادی و امنیتی درباره نظریه‌های بدبینانه به حجم جمعیت، تجدید نظر کرده‌اند و با توجه و استناد به شواهد و تجارب در قرن اخیر، نیروی انسانی و جمعیت را از لوازم تضمین رشد مطلوب اقتصادی و تأمین امنیت پایدار اجتماعی می‌دانند. در این باره برخی از مهم‌ترین نظریه‌پردازی‌های علمی را مرور خواهیم کرد. شاهد عینی بر این مدعا اینکه قدرت‌های اقتصادی، نظامی و بین‌المللی، پس از اینکه به سبب الزامات سبک زندگی مادی و لذت‌محور اومانیستی دچار مشکلات عدیده جمعیتی در ساختار جوامع خود شدند، طی سال‌های اخیر با تأکید بر لزوم

حفظ سلطه اقتصادی، نظامی و امنیتی خویش بر جهان، به تغییرات بنیادین در سیاست‌های جمعیتی خویش و تشویق خانواده‌ها به فرزندآوری بیشتر اقدام نموده‌اند و حتی به سیاست پذیرش گسترده نیروی انسانی مهاجر و غیربومی روی آورده‌اند. این در حالی است که دائماً از جمعیت جوان و پویا و رشد جمعیتی بالای کشورهای حوزه تمدن رقیب و جوامع در حال توسعه اظهار نگرانی می‌کنند و به اشکال مختلف و حتی با استخدام نهادهای ظاهراً بشر دوستانه بین‌المللی، در پی کاهش و تضعیف ابعاد کمی و کیفی جمعیت در جهان هستند. تأمل و تعمق به آنچه در چین، ژاپن و برخی اقتصادهای نو ظهور آمریکای لاتین می‌گذرد، گویا و راهگشا خواهد بود که تأثیر و تأثر جمعیت و نیروی انسانی سرشار در توسعه و تأمین امنیت جوامع تا چه اندازه است.

کتاب جمعیت‌شناسی جمعیت: نقش تغییرات جمعیتی در سیاست ملی و امنیت بین‌المللی توسط جک گلدستون و همکاران نگاشته شده و توسط یعقوب فروتن در سال ۱۳۹۵ به فارسی ترجمه شده است. گلدستون و همکارانش در این کتاب معتقدند که تحولات جمعیتی تأثیر قابل توجهی بر تغییرات سیاسی و امنیتی در سطح ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی دارند. روندهای جمعیت‌شناختی ضمن تأثیرپذیری از تحولات سیاسی، خود به عنوان یک عنصر حیاتی در شکل‌گیری فرایندهای سیاسی محسوب می‌شوند. هرچند شدت روابط و تعاملات تحولات جمعیتی و سیاسی در محیط‌ها و شرایط گوناگون، متفاوت می‌باشد. در واقع علاوه بر تعداد و روند رشد جمعیت، ویژگی‌های اقتصادی و اجتماعی جمعیت از جمله مؤلفه‌های مهم ثبات یا تغییر روابط و شرایط اجتماعی هستند که به نوبه خود تحولات و یا تداوم روند سیاسی در هر کشور را رقم می‌زنند. این کتاب بطور سیستماتیک نقش عوامل جمعیت‌شناختی را در عرصه سیاسی مورد مطالعه قرار می‌دهد و نمونه‌ها تجربه‌های واقعی از کشورهای مختلف جهان را در این خصوص ارائه می‌کند.

حسین حاتمی (۱۳۹۲) در کتاب درآمدی بر جمعیت‌شناسی اقتصادی - اجتماعی و تنظیم خانواده ضمن تبیین نظریه‌های جمعیت‌شناسی، مهم‌ترین عوامل مؤثر بر پارامترهای

جمعیتی باروری، مرگ و میر و مهاجرت را در قالب نظریه‌های مختلف مورد بررسی قرار داده است.

عباسی شوازی و عسکری ندوشن (۱۳۸۴) در مقاله تغییرات خانواده و کاهش باروری در ایران عقیده دارند که کاهش باروری گذشته از شرایط و تحولات جمعیتی در کشور، متأثر از تحولات اجتماعی، سیاسی و فرهنگی قبل و بعد از انقلاب قرار داشته است. تغییرات جمعیتی، برآیند تغییر و دگرگونی عوامل شکل دهنده آن است؛ عواملی که با عنوان فرایندهای سه گانه باروری، مرگ و میر و مهاجرت شناخته می‌شوند و در عین حال با عوامل ناپیدای دیگری که همان کمیت، ساخت و ویژگی‌های جمعیتی‌اند، شکل نهایی می‌یابند. از این رو تحولات جمعیتی، از رهگذر دگرگونی‌هایی حاصل می‌آید که خود متأثر از عوامل بیرونی دیگری هستند. عوامل زمینهای اعم از اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی از طریق تأثیرگذاری بر این امور سه گانه بر تحولات جمعیتی تأثیر می‌گذارند.

چارچوب تحلیلی

امنیت ملی یک مفهوم چندوجهی و پیچیده است و به همین جهت درباره معنای آن اختلاف نظرهای فراوانی وجود دارد. امنیت ملی شامل کسب ایمنی روانی و مادی است و اصولاً جزئی از مسئولیتهای حکومت‌های ملی است، تا از تهدیدات مستقیم خارجی نسبت به بقای رژیم‌های نظام شهروندی و شیوه زندگی شهروندان خود ممانعت به عمل آورد (رابرت ماندل، ۱۳۷۷:۴۰). در بررسی مطالعات امنیتی، مکاتب گوناگونی وجود دارند که هر یک دیدگاه خاصی به مقوله امنیت دارند. به عنوان مثال رئالیسم دیدگاه سخت به امنیت دارند و فقدان تهدید را به عنوان شاخصه امنیت در نظر می‌گیرد. در مقابل این دیدگاه، لیبرالیسم بر همکاری و مشارکت در جهت رفع تهدید و ایجاد امنیت تأکید دارد. اما سازه‌انگاری مباحث امنیتی را در نحوه نگرش کنشگران نسبت به رخدادها و تهدیدات در نظر می‌گیرند. سازه‌انگاران سرچشمه امنیت و ناامنی را در نحوه تفکر بازیگران نسبت به

پدیده‌ها و موضوعات، خصوصاً منافع و تهدیدات می‌دانند و معتقدند هر اندازه ادراکات و منطق متقابل بازیگران نسبت به پدیده‌ها و موضوعات، نامتجانس‌تر و متناقض‌تر باشد میزان بی‌اعتمادی میان آنان افزایش بیشتری می‌یابد و دولت‌ها بیشتر به سوی خودیاری و خودمحوری حرکت می‌نمایند. سازه‌انگاران معتقدند که هنجارها، بازیگران و واکنش‌های معنادار را از طریق قرار دادن آنها در نقش‌ها و محیط‌های اجتماعی به وجود می‌آورند. علاوه بر این هنجارها از طریق تعریف آنچه مناسب است (مقررات اجتماعی معین) و آنچه مؤثر است (قوانین معین علم) کنش‌ها را تنظیم می‌نماید. در این چارچوب سازه‌انگاران به بررسی ساختار اجتماعی کنش می‌پردازند و به دنبال آن هستند که هنجارها در شرایط مختلف زمانی و مکانی چگونه عمل می‌نمایند، به گونه‌ای که برخی از اعمال را امکان‌پذیر و برخی دیگر را ناممکن می‌سازند. آنان به نقش هویت در شکل‌گیری کنش اهمیت بسیاری می‌دهند و معتقدند، هویت‌ها در نوع، شکل و میزان موفقیت کنش‌ها ایفای نقش می‌نمایند (عباسی اشلقی، ۱۳۸۳: ۵۲۵-۵۴۹).

سازه‌انگاری از یک سو به نقش ایده‌ها، ذهنیات، قواعد، هنجارها، فرهنگ و رویه‌ها توجه دارد و از سوی دیگر نقش عوامل مادی و فیزیکی را نیز کاملاً مردود نمی‌داند. به سخن دیگر، این نظریه بر آن است که نمی‌توان روابط میان دولت‌ها و سیاست بین‌الملل را در حد یک سلسله‌تعاملات و رفتارهای عقلانی و در چارچوب‌های صرفاً مادی و فیزیکی در سطوح ملی و بین‌المللی تقلیل داد، بلکه باید به عوامل ناشی از نقش انگاره‌ها، قواعد و هنجارها در شکل‌دهی روابط بین‌الملل در کنار ساخت مادی آن توجه داشت و در رابطه با تأثیر هنجارها، ذهنیت و عوامل فکری در شکل‌دهی به رفتار کنش‌گران، جایگاه ویژه‌ای را برای هویت، ذهنیت، هنجارها و انگاره‌ها و به ویژه فرهنگ قائل شد (Philpott, 2011: 32). در این ارتباط مفهوم اجتماعی امنیتی جایگاه ویژه‌ای پیدا می‌کند. اجتماع امنیتی در دو عنصر اجتماع و امنیت شکل گرفته است. جوهره اصلی اجتماع قابل تأویل به علقه اجتماعی، تعهدات مشترک و نسبتاً پایدار بین کنشگران

با پشتوانه تعاملاتی گرم استوار است و از جهت انواع به اجتماعات طبیعی، سیاسی، اقتصادی و اخلاقی قابل تقسیم می‌باشند.

وجود این ارتباط در هم تنیده میان اجتماع و امنیت، ذهن را به سمت مکتب کپنهاگ رهنمون می‌سازد. مکتبی که امنیت را از نگرش‌های مختلف مورد بررسی قرار می‌دهد. این مکتب در پی آن است که نگرش سنتی به امنیت که برگرفته از دیدگاه‌های رئالیستی و لیبرالیستی بوده را به چالش کشیده و با نگرشی جدید و به دور از دیدگاه مضیق در باب امنیت، این مقوله را از دید موسع خود مورد توجه قرار دهد.

باری بوزان به عنوان بنیانگذار مکتب مطالعات امنیتی کپنهاگ با انتقاد از آنچه آنرا برداشت ساده انگارانه از مفهوم امنیت می‌نامد، اظهار می‌دارد که برخلاف اعتقاد رئالیست‌ها به کسب امنیت از طریق کسب قدرت و یا اعتقاد لیبرال‌ها به تأمین امنیت از طریق صلح، اکنون نیاز به ارائه یک دیدگاه میانه که هر دو مفهوم قدرت و صلح را در خود جای دهد به عنوان بهترین تعریف برای مفهوم امنیت ضروری می‌باشد. بوزان به واسطه طرح مباحث نوینی چون فرا شدن دامنه مطالعات امنیتی (Walt, 1992: 213) کنش گفتاری، معمابودگی امنیت، امنیت اجتماعی، مرجع فرادولتی امنیت و بالاخره، امنیتی / غیر امنیتی دیدن، گام‌های مهمی در حوزه مطالعات راهبردی / امنیتی برداشته است.

اعضای مکتب کپنهاگ که جملگی از مدافعان مفهوم امنیت گسترش یابنده هستند. مهم‌ترین دلایل ضرورت تعریف گسترده از امنیت، تحول در ماهیت تهدیدات و ویژگی‌های آن می‌باشد. براین اساس، امنیت به پنج بخش نظامی، سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و زیست محیطی تقسیم می‌شود. از نظر باری بوزان و همکارانش، دستور کار امنیت نظامی عمدتاً حول توانایی حکومت‌ها برای حفاظت از خودشان در برابر تهدیدات نظامی داخلی و خارجی دور می‌زند (بوزان و همکاران، ۱۳۸۶: ۸۸) و تهدیدات سیاسی

متوجه مشروعیت داخلی واحد سیاسی، مشروعیت خارجی آن و مشروعیت ایدئولوژیک خواهند شد و امنیت اجتماعی به پایداری و دوام الگوهای سنتی، زبان، فرهنگ، مذهب، هویت و عادات محلی تحت شرایط قابل قبول برای تکامل و تحول مربوط است (بوزان و همکاران، ۱۳۸۶: ۱۸۵). الگویی که می‌تواند شکل دهنده انسجام سیاسی - اجتماعی در میان جامعه و در کل یک کشور شود.

۱- بیان مسئله:

طی سالیان دور، عدد بالای جمعیت در یک شهر و یا کشور به معنی برخوردار بودن از امنیت بوده است. اما با گذر زمان و طرح شرایط جدید، گرچه در بعد خارجی این ایده را به مبارزه نطیبیده، اما در بعد امنیت داخلی به شدت صحت چنین تصویری را زیر سؤال برده است. مردم در محیط و محل سکونت خود نیاز به امنیت دارند و نبود و یا کاهش میزان امنیت، تأثیر مستقیمی بر ساختار و تراکم جمعیت در مناطق مختلف می‌گذارد. در محیطهای کم جمعیت همچون شهرهای کوچک و روستاها که سطح آشنایی مردم با یکدیگر بالاست، خود به خود نوعی نظارت اجتماعی غیررسمی بر ساکنان اعمال می‌شود که در جلوگیری از ناهنجاری‌ها مؤثر است. برعکس در شهرهای بزرگ، به علت بیگانگی شهروندان با یکدیگر که ناشی از مهاجرت‌های داخلی است، این نظارت وجود ندارد. در چنین مراکز، کنترل و نظارت بر عهده دستگاه‌های رسمی است که کارآیی آن از نظارت غیر رسمی کمتر می‌باشد. بدیهی است در چنین فضایی، افزایش و تراکم جمعیت و سرانجام صنعتی شدن، به افزایش جرم و جنایت کمک شایانی می‌نماید. البته باید در نظر داشت که شهرنشینی مستقیماً به کجروی و تهدید امنیت اجتماعی نمی‌انجامد بلکه زندگی شهری می‌تواند زمینه ساز چنین پدیده‌ای تلقی شود؛ چه آن که در شهرها به دلیل اختلاف طبقاتی، گروه‌های مختلف شغلی، سنی، نژادی و ... منافع مختلف و ناهمگنی دیده می‌شود

که باعث ستیز با هنجارهای اجتماعی می‌گردد و افراد را از بسیاری از قید و بندها می‌رهاند (فتوحی و همکاران، ۱۳۹۱: ۱۶۶۷).

تأثیر تغییرات جمعیتی به عنوان عامل متغیر بر امنیت داخلی به عنوان عامل مستقل در اینجا منظور جمهوری اسلامی ایران تأثیر منفی بر جای می‌گذارد و میان تغییرات جمعیت و نا امنی رابطه مستقیم و میان تغییرات جمعیت و امنیت داخلی رابطه معکوس وجود دارد. باید توجه داشت که این رابطه تا حد معینی معنی دار بوده و در صورت خروج از آن حد، معنی خود را از دست خواهد داد. همچنین تغییرات جمعیت صرفاً یکی از عوامل دخیل و مؤثر در مقوله امنیت داخلی به شمار می‌آید. گاهی اوقات پژوهشگران در بررسی میزان امنیت اجتماعی از شاخص آسیب‌های اجتماعی موجود در جامعه استفاده می‌کنند. فقر، بیکاری و آسیب‌های اجتماعی چون انواع سرقت، کلاهبرداری، تجاوز، دزدی و... از مهمترین مصادیق شاخص‌های آسیب‌های اجتماعی هستند (ملک‌افضلی و دیگران، ۱۳۸۷: ۱۷).

«امنیت ملی از دو بعد به هم پیوسته امنیت داخلی و امنیت خارجی تشکیل شده است. جنبه داخلی امنیت ملی، امنیت یک ملت در برابر تهدیدهای پیدا و پنهان در درون مرزهای ملی را شامل می‌شود. این تهدیدها می‌توانند سیاسی مانند شورش، جدایی طلبی، و...، اقتصادی همچون نابسامانی‌ها و بحران‌های اقتصادی و...، نظامی مانند کودتا و جنگ داخلی و... و اجتماعی همچون آشوب و شورش اجتماعی و... باشند، که هر کدام به نوعی دولت ملی را تحت تأثیر قرار داده و موجودیت آن را مورد تهدید قرار می‌دهند. جنبه خارجی امنیت ملی به تهدیدهای برون مرزی علیه یک دولت مربوط می‌شود که دارای ابعاد سیاسی (انزوا و اعمال فشارهای سیاسی)، نظامی (حمله نظامی یا تهدید به حمله، تقویت بنیه نظامی دشمن)، اقتصادی (مانند تحریم‌های اقتصادی و فرهنگی و اجتماعی است. امروزه این امر پذیرفته شده که به دلیل ارتباطات گسترده و نزدیکی ملل با یکدیگر، امنیت ملی در ابعاد خارجی و داخلی به یکدیگر مرتبط بوده و تحت تأثیر و تأثر یکدیگر قرار دارند» (مرادیان، ۱۳۹۰: ۱۷۸).

به عقیده برخی تغییرات جمعیتی، در حکم یک زمینه مساعد در جهت رشد

ناامنی در دو سطح فردی و اجتماعی عمل کرده و باعث کاهش امنیت داخلی در حوزه فردی (رشد جرائم) و حوزه اجتماعی (بروز بحران‌های شهری و شورش‌های اجتماعی سیاسی می‌شود. تراکم جمعیت سبب بر آورده شدن نیازها، بحران هویت، کاهش کنترل نمادهای اجتماعی، افزایش عوامل ناامنی و افزایش مجرمان و متخلفان می‌گردد (کوشکی، ۱۳۷۸: ۲۸۸).

ممکن است در شرایطی بخشی از مسائل و مشکلات اقتصادی و اجتماعی به شمار جمعیت مربوط شود اما در شرایط دیگری همان تعداد جمعیت می‌تواند عاملی برای رفع آن مسائل و مشکلات باشد. آلفرد سووی یکی از پایه گذران جمعیت شناسی، کم جمعیتی کشورهای آفریقا را مهمترین انگیزه سلطه گران در استیلا به آن سرزمین‌ها می‌داند که وابستگی، فقر و مسائل بسیار پیچیده سیاسی، اجتماعی و اقتصادی را به دنبال داشت. در مقابل، برتراند راسل فیلسوف معروف نیز معتقد بود که احتمال هیچ خطری به اندازه خطر قحطی جهانی به سبب افزایش فوق العاده جمعیت نیست. در عصر حاضر نیز جولیان سایمون در کتابی با عنوان «منبع غائی» (۱۹۸۱) چنین نوشته است: منبع غائی مردم هستند، مردمی با مهارت، پر نشاط و امیدوار که اراده قدرت بصیرت و تخیل خود را در راه سود رساندن به خود و به ناچار همه ما بکار می‌بندند (دایسون ۱۹۹۶، برگرفته از فتوحی و دیگران، ۱۳۹۱: ۱۶۶۹).

در این بین نقش سیاست‌های جمعیتی اعمال شده از سوی رهبران کشورها بسیار حائز اهمیت است. سیاست‌های جمعیتی به تمامی تصمیمات و تدابیری که در رابطه با جمعیت یک سرزمین توسط دولت با توجه به میزان منابع و شرایط خاص آن جامعه اتخاذ و اعمال می‌شود، گفته می‌شود. هر خط مشی و سیاستی که به نحوی از انحاء و به طور مستقیم یا غیر مستقیم بر ویژگی‌های جمعیت تأثیر بگذارد را می‌توان سیاست جمعیتی نامید. سیاست‌های توزیع جمعیت، سیاست‌های مهاجرتی و حتی سیاست و خط مشی‌هایی که در جهت بهبود

کیفیت جمعیت‌ها اتخاذ می‌شوند را می‌توان در زمره سیاست‌های جمعیتی دانست (سبکتکین ریزی، ۱۳۸۶: ۹۹).

در واقع یکی از عناصر مهم وجودی هر حکومت مردم هستند. به عبارت دیگر، حکومت باید دارای جمعیت باشد، وگرنه حکومت به شمار نمی‌آید. در ارزیابی قدرت کشورها فرض بر این است که در وضعیت مساوی، کشوری که دارای جمعیت بیشتر است قدرتمندتر است از کشوری که جمعیت کمتری دارد؛ چون به سختی می‌توان دو کشوری را یافت که از جهت کلیه عوامل برابر باشند، بنابر این ارزیابی جمعیت به عنوان یک عامل قطعی قدرت، کار درستی نیست. جمعیت، بیشتر از دیدگاه نظامی و سیاسی اهمیت دارد؛ ولی از جهت اقتصادی بویژه هنگامی که چگونگی توزیع و پراکندگی جمعیت در سر زمین و روندهای جمعیت‌نگاری در نظر است، وضع متفاوت خواهد بود. در این صورت خصوصیات کیفی جمعیت، ساختمان جمعیت، سطح سواد، آهنگ رشد و نسبت سن به جنس، مهم‌تر از تعداد صرف آن است (میر حیدر، ۱۳۸۷: ۱۲۳).

جمعیت زیاد در یک کشور در شرایط تهدید به اشغال نظامی خارجی ممکن است، فرصت تلقی شود، زیرا نیروی انسانی مورد نیاز را تأمین می‌کند. اما همین جمعیت چه در شرایط جنگی و چه در شرایط غیرجنگی از منظر اقتصادی معنای دیگری دارد. چنانچه همین جمعیت باسواد، تحصیل کرده و فن دیده باشد، می‌تواند در امر دفاع و تولید اقتصادی و ایجاد قدرت ملی نقش مثبت ایفا کند. در حالی که جمعیت بی‌سواد و کم‌سواد، بیکار، فاقد مهارت و دانش فنی؛ اگرچه ممکن است سپر انسانی در جبهه جنگ ایجاد کند، ولی نه تنها کارآیی رزمی آن پایین خواهد بود بلکه سطح هزینه‌های ملی را برای تأمین نیاز خود افزایش خواهد داد (حافظ نیا، ۱۳۸۵: ۱۷۷).

در بررسی روند تغییرات جمعیتی، عوامل مهمی همچون باروری، مرگ و میر و مهاجرت نقش دارند که این عوامل، متأثر از رخدادهای اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و سیاسی،

باعث شکل‌گیری چالش‌هایی برای کشورها می‌شوند که به تبع آن، تهدیدهایی را برای امنیت ملی بوجود می‌آورند. در این ارتباط تأمین امنیت و به ویژه امنیت ملی در زمره اهداف اصلی کشورها و نظام‌های سیاسی به شمار می‌آید، که به تبع آن تلاش‌های مختلفی در راستای نیل به این مهم از سوی رهبران دولت‌ها و کشورها انجام می‌گیرد. حال با این شرایط رهبران کشورها در پی جلوگیری و نیز رفع مسائل تهدیدزا در محیط داخلی و همچنین بین‌المللی خود هستند.

اهمیت و ضرورت بررسی تغییرات جمعیتی در این است که، به منظور حفظ تعادل پویایی ساختار کلی جمعیت ضروری است به طور مداوم تغییرات جمعیت مطالعه و دورنمای جمعیت ترسیم شود و چالش‌های پیش رو مورد واکاوی قرار گیرد تا در صورتی که مطالعات، احتمال خارج شدن از حالت تعادلی خود را نشان دهد سیاست جمعیتی لازم اعمال شود. از طرف دیگر، مقوله امنیت برای جمهوری اسلامی ایران، امری حیاتی است و برای دستیابی به راهبرد نظری و عملی امنیت ملی نیازمند مطالعه همه جانبه درباره متغیرهای مؤثر بر آن هستیم، بررسی این موضوع می‌تواند مسئولان کشور را در انتخاب راهبردهای بجا و مطمئن در زمینه امنیت ملی یاری رساند و زمینه ساز طرح برنامه‌ای عملیاتی در جهت ارتقاء ضریب امنیت ملی کشورمان در عصر حاضر شود. افزون بر آن، با توجه به تداوم انقلاب و نظام اسلامی شناخت فراز و نشیب‌ها در مسیر جمهوری اسلامی، اهمیت مطالعه در این زمینه را افزایش می‌دهد. هدف این پژوهش از یک سو، شناخت چالش‌های ناشی از تغییرات جمعیتی در کشور و ارائه راهکارهای راهبردی برای برون رفت از چالش‌ها و تهدیدات ناشی از تغییرات جمعیتی به منظور بکارگیری سیاست‌گذاران و برنامه‌ریزان جمعیتی و امنیتی در سطح ملی است.

شاخص‌های جمعیتی و امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران

در بررسی شاخص‌های جمعیتی یک کشور می‌توان ابعاد مختلفی را در نظر گرفت. ابعادی که هر یک نقش تأثیر گذاری در این تغییرات ایفا می‌کنند. در این ارتباط ابعاد کیفی و کمی که هر یک زیر مجموعه‌های مختلفی را در بر می‌گیرند، حائز اهمیت هستند.

الف) بعد کیفی جمعیت؛

ویژگی‌های کیفی جمعیت در تولید و گسترش قدرت ملی اهمیت فوق العاده ای دارند. کیفیت جمعیتی ناظر بر ویژگی‌های متعددی است که وجود آن سرچشمه قدرت، پیشرفت، امنیت، آسایش و رفاه ملی خواهد بود. در غیر این صورت، جمعیت غیر کیفی ولو با تعداد بسیار کم سرچشمه ضعف، عقب ماندگی، ناامنی، رنج و مصیبت ملی خواهد شد که چنین وضعی را در کشورهای آفریقایی به ویژه منطقه خلیج گینه شاهد هستیم. در زیر به بررسی مواردی چند از ویژگیهای کیفی خوب جمعیت می‌پردازیم:

- سلامت سلامت جسمی و روحی در قالب شاخص‌هایی چون بالا بودن «امید به زندگی»، نسبت تخت بیمارستانی و پزشک به جمعیت، سرانه آب آشامیدنی سالم، سرانه میزان مواد غذایی، تسهیلات بهداشتی، پایین بودن میزان مرگ و میر و نظایر آن می‌باشد.

- سطح تحصیلات؛ که در قالب شاخص‌هایی چون بالا بودن نسبت تحصیل کردگان دانشگاهی به جمعیت، سطح گسترش آموزش عمومی، بالا بودن سطح دانش فنی جمعیت و غیره خواهد بود و به گسترش سطح تفکر، خلاقیت، مهارت، حساسیت نسبت به امور ملی و غیره می‌انجامد.

- سطح زندگی: شاخص توسعه یافتگی یک کشور و شهروندان آن است که در قالب دسترسی به نوآوری‌های فنی و تکنولوژیک، استانداردهای زیست، دسترسی به الگوهای پیشرفته آموزش و پرورش، ارتباطات و استانداردهای بالای مصرف و غیره مشخص می‌شود.

- سطح روحیه ملی؛ این خصیصه کیفی با فرهنگ عامه و زیرساخت‌های باور عمومی گره خورده و با شاخص‌هایی نظیر امید به آینده، شجاعت، پشتکار، شادابی، نوگرایی و همگرایی همراه است. برخی از ملتها قدرت را مرهون روحیه ملی مشتعل بر شاخص‌های مزبور می‌دانند (حافظنیا، ۱۳۸۵: ۱۷۹).

(ب) بعد کمی جمعیت

منظور از بعد کمی جمعیت عمدتاً تعداد افراد است، اگرچه پیشرفت‌های تکنولوژیک در عرصه جنگها توانسته نقش جمعیت زیاد را در دفاع ملی کاهش دهد، اما همچنان کشورهای پر جمعیت به انضمام دارا بودن دیگر شاخصهای توسعه، جزو کشورهای قدرتمند جهان شناخته می‌شوند. شاید یکی از دلایل آن نقش سیاسی هر یک نفر جمعیت در تولید قدرت سیاسی طی فرآیندهای دموکراتیک باشد. اما جمعیت زیاد اگر همچون کشور ژاپن از کیفیت زیستی، اقتصادی و علمی بالا برخوردار باشد؛ منشأ قدرت ملی خواهد بود (حافظ نیا، ۱۳۸۵: ۱۷۹). به تبع آن، قدرت ملی بالا نیز عمده‌ترین وسیلهی تأمین امنیت ملی خواهد شد و افزایش ضریب پایداری آن خواهد شد (روشندل، ۱۳۹۴: ۹۹). کیفیت پایین جمعیت زیاد برای مثال در کشورهایمانند هند، بنگلادش و پاکستان موجب ضعف برنامه‌های ملی و کندی فرآیند توسعه شده و همچنین پدیده سرباری و هزینه‌های مضاعف ملی را در بر خواهد داشت که به ایجاد ضعف ملی کمک خواهد کرد (حافظنیا، ۱۳۸۵: ۱۷۸). آنچه درباره جمعیت یک کشور و ارتباط آن با مسائل کلان ملی از جمله قدرت ملی، امنیت ملی، توسعه و ... حائز اهمیت است؛ میزان و نرخ رشد جمعیت آن کشور است و نه رقم مطلق جمعیت آن (میرزایی، ۱۳۸۴: ۱۱۹). هنگامی که صحبت از حد متناسب جمعیت می‌شود، کمتر بر حجم خاصی از آن تاکید و بیشتر بر جمعیت و میزان رشد منابع و امکانات تمرکز می‌شود. آنچه مهم است، برقراری تعادل میان رشد جمعیت و میزان آن و نیز میزان رشد منابع و امکانات است. پیش‌تر در زمینه منابع و امکانات، تاکید بر وسعت زمین به خصوص اراضی زیر کشت و منابع زیرزمینی و معیارهایی از این قبیل بود ولی در حال

حاضر میزان رشد اقتصادی، معیار تعیین آهنگ رشد جمعیت است. تا زمانی که میزان رشد اقتصادی بیش از حدی باشد که تکافوی جمعیت افزوده شده را بکند؛ مشکلی به نام رشد زیاد جمعیت مطرح نخواهد شد. ولی چنانچه آهنگ رشد جمعیت بیشتر از میزان رشد اقتصادی برای تکافوی آن باشد، رشد زیاد جمعیت می‌تواند مانعی برای توسعه تلقی گردد. این امر بر پایداری امنیت از طریق افزایش آسیب‌ها و ناهنجاری‌های اجتماعی، اقتصادی، امنیتی و ... اثر گذار بوده و پایداری امنیت داخلی را مختل و همچنین به افزایش نارضایتی‌های عمومی و نیز شکاف میان دولت و ملت منجر خواهد شد. در چنین شرایطی کنترل و تعدیل میزان رشد جمعیت موضوعیت یافته و در دستور کار برنامه ریزان قرار می‌گیرد (میرزایی، ۱۳۸۴: ۱۱۹). رشد جمعیت بدون در نظر گرفتن امکانات و منابع، افزایش پدیده بار تکفل، جرائم اجتماعی - سیاسی و دیگر آسیب‌ها را به دنبال خواهد داشت. اگر کشوری به صورت بالقوه، منابع طبیعی کم مانند آب، خاک، اقلیم نامناسب و ... داشته و همچنین از درجه بالای مخاطرات طبیعی برخوردار باشد؛ افزایش جمعیت آن به کاهش سرانه ملی در بخش‌های اقتصادی و نیز سرانه فضایی منجر خواهد شد و پیامد این امر، شکل‌گیری کشمکش‌های فضایی می‌باشد. زمانی که رشد جمعیت اغلب در اثر بهره برداری بیش از حد، کارآیی جنگل‌ها، منابع آب، زمین‌های کشاورزی و دیگر منابع محلی را کاهش می‌دهد. این موضوع صرف کاهش پتانسیل‌های محیطی محسوب نخواهد شد بلکه موجبات درگیری و خشونت‌های سیاسی را فراهم می‌آورد (Goldstone, 2002: 4). که این امر می‌تواند موجب تهدید امنیت و در نهایت کاهش امنیت ملی یک کشور شود.

تأثیر توسعه شاخص‌های جمعیت بر امنیت ملی

امنیت ملی هر کشور بدون شك در گرو توسعه شاخص‌های جمعیتی به عنوان یکی از ملزومات توسعه است. آنگونه که هانتینگتون درباره ضرورت وجود توسعه شاخص‌های انسانی هر کشور و اثرات عدم توسعه یافتگی شاخص‌های جمعیت و ارتباط آن با امنیت

می‌گوید: جای هیچ تردیدی باقی نیست که میان خشونت و ناامنی با عقب افتادگی اقتصادی جمعیت رابطه تنگاتنگی وجود دارد. فقر اقتصادی به هیچ وجه اجازهی استقرار دموکراسی که در امر توسعه ملی و تحکیم امنیت ملی شدید مورد نیاز است، را نخواهد داد (احمدی پور و دیگران، ۱۳۸۶: ۶). مفهوم توسعه به شدت بر شاخص‌های توسعه انسانی متکی است و با مفهوم امنیت دارای ارتباط متقابل می‌باشند؛ چرا که از یک سو توسعه و حرکت در راستای آن به تقویت مبانی قدرت ملی و در نتیجه امنیت ملی کشور انجامیده و از سوی دیگر تأمین امنیت ملی، یکی از پیش فرض‌های لازم فراگرد توسعه ملی را فراهم خواهد کرد.

در بررسی مسائل مربوط به امنیت ملی ایران، ناچار از مطالعه و سنجش شاخص‌های توسعه انسانی، مشخصاً ویژگی‌های کمی و کیفی جمعیتی کشور هستیم دور از واقعیت نخواهد بود. هم چنین اثرپذیری امنیت ملی از مسائل جمعیتی در دو سطح داخلی و خارجی مقوله‌ای مسلم و قابل تبیین خواهد بود. در نظر گرفتن رقم مطلق جمعیت و در صدد بودن جهت ازدیاد آن برای کشور ما در ارتباط میان گفتمان امنیت حکومت و امنیت مردم، اثرگذاری منفی را در پی خواهد داشت. در این گفتمان، امنیت مردم مبنای اصلی امنیت حکومت بوده و بدون امنیت مردم، امنیت نظام سیاسی و بقای آن و در مجموع کشور ایران غیرممکن خواهد بود. گفتمان نوین امنیت ملی بروز تعارض میان امنیت مردم و امنیت حکومت را عامل بی ثباتی در امنیت ملی حکومت و کشور می‌داند. مسلم است که در شرایط فعلی معقولانه‌تر است که توان و هزینه‌های ملی صرف توسعه شاخص‌های جمعیت موجود کشور در زمینه‌های اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، رفاهی، ایجاد مشاغل و افزایش سطح تحصیلات و مسائلی از این قبیل شود، تا جمعیت کشور از شاخص‌های بالا برخوردار شود. بدین ترتیب امنیت مردم و به تبع آن امنیت حکومت و سپس امنیت ملی کشور، چه در بعد داخلی و چه در بعد خارجی از ضریب پایداری و ثبات بالایی برخوردار خواهد شد (محرابی و همکاران، ۱۳۹۲: ۱۶۲).

چالش‌های کاهش جمعیت بر امنیت ملی

تغییرات جمعیت همواره با کاهش و یا افزایش جمعیت همراه بوده است. تغییراتی که می‌تواند نتایج مثبت و یا منفی را به دنبال داشته باشد. در این میان بخشی از چالش‌ها و بحران‌های کاهش جمعیت به اختصار ذکر خواهد شد.

الف) چالش‌های فرهنگی و اجتماعی

فرهنگ و ارزش‌های فرهنگی از عوامل پایداری و استحکام کشور شناخته می‌شوند. حفظ و گسترش ارزش‌ها از جمله اهداف در مبانی امنیتی کشور به شمار می‌آیند. بنابراین عواملی که منجر به تضعیف و از بین رفتن ارزش‌های مشترک در سطح ملی شوند، از جمله تهدیدهای امنیتی تلقی می‌گردند. مشکل اصلی تهدیدهای اجتماعی از لحاظ امنیت ملی این است که اغلب آنها در داخل کشور واقع شده‌اند. تبلیغ گسترده فرهنگ مغایر با ارزش‌های فرهنگی در سطح بین‌الملل و رسوخ فرهنگ بیگانه از راه‌های اقتصادی، سیاسی و دیپلماتیک نمونه‌های از شکل اجتماعی و فرهنگی تهدیدهای خارجی می‌باشند. بر این اساس، چالش‌ها و تهدیدهای فرهنگی و اجتماعی که امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران در مرحله دوم گذار جمعیتی با آن مواجه است، تغییر در نگرش و هویت فردی است، که منجر به تغییر در نگرش سنتی خانواده‌ها به باروری، ازدواج و ... شده است.

در این راستا، عوامل از قبیل، ارتقاء شاخص‌های کیفی جمعیت، رشد مصرف‌گرایی و تغییر در سبک زندگی منجر به تغییر در نگرش‌های فرهنگی افراد و خانواده‌ها در زمینه‌هایی چون باروری، نقش مادری، کار خانگی، تصور مرد و زن از هویت مردانه و زنانه و نقش‌های محول و محقق فردی و اجتماعی است که نتیجه آن کاهش باروری و فراگیر شدن کاهش باروری زیر سطح جانشینی در کشور گردیده است. بنابراین این فرایند امنیت اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران را که مستلزم، توانایی مردم و ملت ایران در حفظ و تداوم الگوهای سنتی، فرهنگ، باورها، سنت‌ها است تهدید کند. از جمله چالش‌های فرهنگی و اجتماعی که امنیت ملی را تهدید می‌کند بحران ساختاری خانواده

است. در سه دهه اخیر خانواده ایرانی تحت تأثیر عوامل درونی و بیرونی به لحاظ ساختاری، کارکردی و نیز جمعیتی، دستخوش تغییر شده است. این تغییر از یک سو ناشی از تغییر نظام اجتماعی و به دنبال آن تضعیف خانواده گسترده و شکل گیری خانواده هسته‌ای است. با توجه به اینکه، تغییرات ساختاری از قبیل، تغییر از خانواده گسترده به هسته‌ای، تغییر از خانواده گرایی به فردگرایی، تغییر از کنترل خانواده به استقلال جوانان، تغییر از ازدواج‌های از پیش ترتیب داده شده به ازدواج‌های بر اساس عشق و انتخاب، تغییر از ازدواج در سنین جوانی به ازدواج در سن بالا، تغییر از باروری طبیعی به فرزندآوری کنترل شده، تغییر از تعداد فرزندان بیشتر به فرزندان کمتر، به عنوان یک پدیده فراگیر هم در سطح خانواده ایرانی و هم در عرصه عمومی فراگیر شده که نتایج آن باعث افزایش سن ازدواج و کاهش نرخ رشد جمعیت و کاهش باروری زیر سطح جانشینی و افزایش سالمندی جمعیت در کشور گردیده است. بنابراین تغییرات ساختاری در خانواده ایرانی که باعث کاهش باروری گردیده، بیشتر ناشی از تغییر در باورها و سنت‌ها افراد جامعه است، و عدم تداوم الگوهای سنتی تهدید اجتماعی و فرهنگی به بار می‌آورد.

یکی دیگر از چالش‌های اجتماعی مؤثر بر امنیت ملی، افزایش سن ازدواج و افزایش آمار طلاق در کشور است. در جامعه امروز ایران مواردی چون ازدواج و طلاق در ایجاد زمینه برای باروری و زاد و ولد تأثیرگذار می‌باشند، یکی از مشخصه‌های جمعیتی در ایران طی سال‌های اخیر افزایش سن ازدواج جوانان و به خصوص سن ازدواج دختران جوان است. عواملی از قبیل تغییر در سبک زندگی و گسترش فردگرایی، هزینه‌های سنگین نگهداری فرزندان، تحرک اجتماعی زنان، افزایش سطح تحصیلات و اشتغال زنان از جمله عوامل مؤثر بر کاهش ازدواج در کشور است. تغییرات جمعیتی از سه فرایند عمده باروری، مرگ و میر و مهاجرت ناشی می‌شود. نرخ باروری، سن باروری و سطح آن، از عواملی هستند که عمده تغییرات جمعیتی کشور را شامل می‌شوند. تغییرات شگرفی که در طی دو دهه اخیر در نرخ رشد و ساختار سنی جمعیت ایران بوجود آمده بیش از هر چیز معلول کاهش

باروری بوده است. کاهش سطح زاد و ولد و باروری علاوه بر تأثیر قاطعی که بر میزان رشد جمعیت و از آن طریق تعدیل شتاب افزایش تعداد جمعیت داشته بر ترکیب و ساختار جمعیت نیز تأثیر خواهد گذاشت. کاهش مستمر زاد و ولد و انتقال از باروری طبیعی به باروری کنترل شده به تدریج ساختار سنی جمعیت را از وضعیت جوانی خارج و به طرف سالخوردگی سوق می‌دهد. به همین لحاظ هرم سنی جمعیت ایران که به جرأت می‌توان گفت در طول تاریخ همواره قاعده‌ای گسترده داشته و به لحاظ تمرکز بیش از ۴۰ درصد از کل جمعیت در سنین کمتر از ۱۵ سال از ساختاری جوان برخوردار بود، در دو دهه اخیر به سبب کاهش باروری تغییر شکل داده و نوعی فرورفتگی در قاعده هرم سنی ایجاد شده است. در حال حاضر هرم سنی جمعیت ایران در حال انتقال از جوانی به سالخوردگی است.

(ب) چالش‌های نظامی

ایران به لحاظ منزلت راهبردی که در سطح منطقه و جهان دارد، همواره امنیت آن را عوامل مختلف تهدید کرده است. از لحاظ تاریخی ایران بارها از شمال و جنوب و از شرق و غرب مورد تجاوز قرار گرفته است. بر این اساس، امنیت نظامی مرکز سنتی نگرانی‌های مربوط به امنیت ملی است. تهدید نظامی می‌تواند همه اجزای دولت را تهدید کند و ممکن موجب اختلال یا نابودی نهادها شده و تفکر مربوط به دولت را سرکوب، تخریب یا محو نماید. بر این اساس، امنیت نظامی جمهوری اسلامی ایران که مستلزم، فقدان تهدیدات نظامی داخلی و خارجی علیه حاکمیت، استقلال، تمامیت ارضی و ارزشهای مکتسب مادی و معنوی و عدم احساس ترس از تهدید آنها است از اهمیت بالایی برخوردار است. در این راستا، بهترین ساز و کار برای تأمین امنیت نظامی، داشتن قدرت و نیروی نظامی کافی و کارآمد برای جلوگیری و مقابله با تهدیدات و تهاجم نظامی می‌باشد. از آنجایی که جمعیت فعال هر کشور عاملی تعیین کننده در معادلات قدرت محسوب می‌شود. هر چند قدرت دفاعی به عواملی مختلفی بستگی دارد. اما همواره عامل نیروی انسانی همیشه و در هر شرایط تأثیر مستقیم بر امنیت و قدرت دفاعی کشور دارد.

پ) چالش‌های سیاسی

یکی از چالش‌های جمعیتی مؤثر بر بعد سیاسی امنیت ملی، سالمندی جمعیت و کاهش اقتدار سیاسی و افزایش نفوذ بیگانگان در کشور است. به نظر می‌رسد جمهوری اسلامی ایران به عنوان حکومتی اسلامی با چالش‌هایی چه در سطح منطقه و چه در سطح بین‌الملل روبرو است، زیرا فلسفه شکل‌گیری و تثبیت حکومت اسلامی در ایران واکنشی نسبت به نفوذ بیگانگان در کشور قبل از پیروزی انقلاب اسلامی است. تردیدی نیست که درک جمهوری اسلامی ایران به عنوان حکومتی دینی در میان حکومت‌های غیر دینی حاکم در کشورهای جهان تا اندازه‌های دشوار است. مشکل زمانی حاد می‌گردد که دو طرف به واسطه فقدان سازوکارهای منطقی توانایی شناخت منصفانه‌ای را از یکدیگر نداشته باشند. بنابراین سوء تفاهم‌هایی شکل خواهد گرفت که نتیجه طبیعی‌اش آن است که هر طرف وجود دیگری از نسبت به وجود خویش تهدید محسوب می‌کند، بنابراین هر کدام از طرفین تلاش خواهند کرد تا حداقل تهدید مقابل خود را بی‌اثر سازد. در این فرایند طرفی که از قابلیت بیشتری برخوردار باشد، دارای اثر گذاری بیشتری است و در نقطه مقابل طرف ضعیف‌تر از آسیب‌پذیری رنج می‌برند. به باور بسیاری از اندیشمندان، جمعیت هر کشور با توجه به حجم، ساخت و توزیع سنی و جغرافیایی یکی از مؤلفه‌های ساختار قدرت کشور به شمار می‌رود، و تأمین نیروی انسانی یکی از فاکتورهای کلیدی در تولید اقتدار، قدرت ملی و استحکام ساخت درونی قدرت نظام است. به همین جهت، جمعیتی می‌تواند اقتدار آور و پویا باشد که حداقل ویژگی‌های از قبیل: دارای ساخت سنی جوان، دارای میزان باروری مناسب و پویا، نیروی انسانی ماهر و متخصص مورد نیاز. بنابراین تنها جمعیتی عامل اقتدار و امنیت کشور محسوب می‌شود که ساخت و ترکیب و توزیع مناسب و جوان و سرمایه انسانی مناسب و پویا داشته باشد. بنابراین باروری زیر سطح جانشینی که از دهه ۱۳۷۰ در کشور فراگیر شده و سناریوهای پیش‌بینی باروری نشان از ادامه این روند تا دهدهای پیش رو دارد. کاهش جمعیت جوان و به تبع آن بحران سالمندی جمعیت باعث

کاهش اقتدار سیاسی و افزایش نفوذ سیاسی بیگانگان در کشور می‌گردد و این به منزله بی-ثباتی سیاسی، مشروعیت‌زدایی از ایدئولوژی اسلام و ناکارآمد ساختن جمهوری اسلامی و نهایتاً ممکن است تهدیدات وجودی را علیه ایران ایجاد نماید و امنیت سیاسی جمهوری اسلامی را تهدید نماید (جلالی و همکاران، ۱۳۹۹: ۱۰۶-۱۱۲).

چالش‌های افزایش جمعیت بر امنیت ملی

افزایش جمعیت نیز مانند کاهش جمعیت ممکن است آثاری بر امنیت یک کشور به دنبال خواهد داشت. در اینجا برخی از آثار منفی افزایش جمعیت ذکر خواهد شد.

الف) بحران هویت:

جذب جمعیت به یک نقطه خاص و ظهور تراکم جمعیتی در آن نقطه موجب می‌شود تا شهروندانی با هویت‌های گوناگون قومی، مذهبی، طایفه‌ای و منطقه‌ای در آن نقطه متراکم شده و به تدریج هویت خود را از دست بدهند. این روند (حذف تدریجی هویت‌های متعدد به این دلیل رخ می‌دهد که تراکم جمعیت مجال ظهور و بروز را از هویت‌های گوناگون و پراکنده سلب می‌کند و چون از طرح یک هویت یکسان جایگزین نیز ناتوان می‌ماند، از این رو بخش عمده جمعیت متراکم در آن نقطه دچار بحران هویت شده و این بحران هویت سرمنشأ بروز اختلال در امنیت خصوصاً در سطح فردی آن می‌گردد که این، گسترش ناامنی در آن جامعه را در پی می‌آورد. این گسترش بیشتر به شکل ارتکاب جرائم فردی (نظیر سرقت، قتل و مزاحمت‌های اجتماعی و اخلاقی) بروز می‌یابد. این فرآیند در حالی است که در مناطق کم تراکم مانند روستاها و شهرستانهای کوچک، شهروندان به دلیل برخورداری از یک هویت معین (هویت خانوادگی، خویشاوندی، قبیله‌ای یا طایفه‌ای و شناخته شده بودن در میان جمع، کمتر مجال ارتکاب جرائم را پیدا می‌کنند، چرا که هویت آنها به مثابه یک عامل بازدارنده در قبال میل به ارتکاب جرائم به ایفای نقش می‌پردازد. اما این مانع در مناطق پرتراکم معنای خود را از دست داده و دیگر اشخاص،

ترسی از لکه دار شدن هویت خود و یا خانواده و فامیل خود نداشته (در مقایسه با مورد پیشین) و از این رو میزان ارتکاب جرائم و بروز ناامنی تا حدود زیادی افزایش می‌یابد.

ب) برآورده نشدن نیازها

بشر برای ادامه بقا نیازمند رفع پاره‌ای از نیازهاست. این نیازها ممکن است ضروریات اولیه (آب و غذا) یا ضروریات ثانویه (لباس، مسکن و درمان) و یا ضروریات اجتماعی آموزش و تحصیل، اشتغال باشد. در هیچ حالتی نمی‌توان تصور کرد که بشر بدون ضروریات اولیه مانند آب یا غذا امکان ادامه حیات داشته باشد در حالی که تراکم جمعیت می‌تواند در راه فراهم ساختن این ضروریات موانعی جدی ایجاد کند. در چنین وضعی تراکم جمعیت در منطقه‌ای محدود از لحاظ امکانات زیستی و طبیعی باعث برهم خوردن تعادل اکولوژیک منطقه شده و دولت در برآورده ساختن ضروریات زندگی اجتماعی با مشکلاتی جدی و در برخی مواقع حل‌ناشدنی روبرو خواهد شد که در چنین صورتی امکان بروز شورشهای وسیع اجتماعی و سیاسی بشدت افزایش خواهد یافت.

پ) عدم کنترل

وسایل و نهادهای کنترل‌کننده اجتماعی نیروهای امنیتی و انتظامی و امکانات مربوطه) هیچ‌گاه از آن توان برخوردار نیستند تا همپای گسترش تراکم جمعیت به گسترش سازمان و امکانات خود پردازند و بدین لحاظ معمولاً با عقب ماندن از روند تراکم جامعه قدرت کنترل آن را تا حدود زیادی از دست می‌دهند در حالی که در یک منطقه کم تراکم، نیروهای کنترل‌کننده این مجال را دارند تا همگام با نیازهای امنیتی و اجتماعی جامعه رشد یافته و حافظ نظم و امنیت باشند. این عامل در کنار سایر موانع کنترل اجتماعی در جوامع پرتراکم، مانند دشواری در رفت و آمد نیروهای کنترل‌کننده و حضور نیافتن به موقع آنها در مناطق مورد نیاز (بحران‌های شهری و شورش‌های اجتماعی و سیاسی و یا جرائم اجتماعی مانند سرقت‌های مسلحانه و مانند آن ظاهر می‌شود. همچنین دشواری شناسایی و تعقیب مجرمان به دلیل ازدحام و تراکم جمعیت نیز از اجزای این عامل به شمار می‌آید).

د) تراکم عوامل ناامنی

تراکم جمعیت به خودی خود باعث تراکم نقاط و مناطقی می‌شود که به صورت بالقوه خاصیت امنیت‌زدایی دارند مانند تراکم دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی، تراکم کارخانه‌ها و مجامع کارگری و یا تراکم پادگانها و نیروهای نظامی که تراکم این نقاط در یک منطقه محدود می‌تواند در پاره‌ای از مواقع به شدت به بروز و گسترش ناامنی دامن بزند.

ه) تراکم مجرمان و متخلفان:

هر بافت جمعیتی به صورتی طبیعی حاوی مقادیری عناصر مخل امنیت (مانند مجرمان اجتماعی و اپوزیسیون سیاسی است. حال هر چه در یک محدوده معین بر تراکم جمعیت افزوده شود به شکل طبیعی، شمار عناصر اخلاص گر در امنیت بالا می‌رود، که همین امر خود عامل ایجاد تالمنی روانی در میان شهروندان جامعه پرتراکم خواهد شد (مشاهدات شهروندان از ارتکاب جرائم متعدد اجتماعی و سیاسی در یک زمان معین، امنیت ذهنی و روانی موجود در جامعه را تا حدود زیادی خدشه دار می‌کند؛ فرضاً در شهری مانند تهران یک شهروند ممکن است در یک روز خبر وقوع قتل‌های متعددی را بشنود و یا حتی ناظر وقوع آنها باشد در حالی که شهروندی که در یک محیط کم تراکم زندگی می‌کند ممکن است در طول زندگی خود موارد بسیار معدودی از جرائم اجتماعی یا سیاسی را شاهد باشد) علاوه بر عوامل فوق می‌توان به پدیده‌هایی مانند شیوع قاچاق و مصرف مواد مخدر در مناطق پرتراکم و یا برگزاری برنامه‌هایی مانند مسابقات ورزشی با حجم بالای تماشاچی که خود زمینه بسیار مساعدی را جهت بروز آشوب‌های اجتماعی و سیاسی فراهم می‌آورد و همچنین به امکان فعالیت گروه‌های اپوزیسیون غیرقانونی و برانداز در مناطق پرتراکم به دلیل ضعف دستگاه‌های کنترل و شیوع نارضایتی شهروندان اشاره کرد (فتوحی و همکاران، ۱۳۹۱: ۱۶۶۹-۱۶۷۱)، که این موارد نیز منجر به تهدید علیه امنیت و در نهایت منجر به مخاطره افتادن امنیت ملی یک کشور گردد.

نتیجه گیری

در یک نگاه کلی می‌توان گفت که در صورتی که جمعیت یک کشور به لحاظ کیفیت از سطح بالایی بهره مند باشد، عامل افزایش قدرت ملی و به واقع امنیت ملی آن کشور می‌شود و در مقابل، در صورت عدم برخورداری از شاخص‌های مناسب کیفیت جمعیتی، چالش‌هایی را برای امنیت ملی کشور مدنظر بوجود خواهد آورد که این نشان از ارتباط مؤثر بین توسعه شاخص‌های جمعیتی و انسانی بخصوص ویژگی‌های کیفی و کمی و تأمین امنیت ملی کشورها داشته است. در حقیقت جمعیتی که از قدرت اندیشه و تعقل کافی در جهت تعالی فکری برخوردار باشد می‌تواند پارامترهای ضروری و مورد نیاز جمعیت با کیفیت را دارا باشد. در این ارتباط جمعیت کارآمد در هر کشور در گرو تاثیرگذاری مثبت و بویژه نیروی انسانی مطلع و آگاه خواهد بود که با مدیریت درست در زمینه تغییرات جمعیتی، بهره‌مندی و کارآیی مفید حاصل می‌شود.

تأثیر تغییرات جمعیتی به عنوان عامل متغییر بر امنیت داخلی به عنوان عامل مستقل در اینجا منظور جمهوری اسلامی ایران تأثیر منفی بر جای می‌گذارد و میان تغییرات جمعیت و نا امنی رابطه مستقیم و میان تغییرات جمعیت و امنیت داخلی رابطه معکوس وجود دارد. باید توجه داشت که این رابطه تا حد معینی معنی دار بوده و در صورت خروج از آن حد، معنی خود را از دست خواهد داد. همچنین تغییرات جمعیت صرفاً یکی از عوامل دخیل و مؤثر در مقوله امنیت داخلی به شمار می‌آید.

در بررسی روند تغییرات جمعیتی، عوامل مهمی همچون باروری، مرگ و میر و مهاجرت نقش دارند که این عوامل، متأثر از رخدادهای اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و سیاسی، باعث شکل‌گیری چالش‌هایی برای کشورها می‌شوند که به تبع آن، تهدیدهایی را برای امنیت ملی بوجود می‌آورند. در این ارتباط تأمین امنیت و به ویژه امنیت ملی در زمره

اهداف اصلی کشورها و نظام‌های سیاسی به شمار می‌آید، که به تبع آن تلاش‌های مختلفی در راستای نیل به این مهم از سوی رهبران دولت‌ها و کشورها انجام می‌گیرد. حال با این شرایط رهبران کشورها در پی جلوگیری و نیز رفع مسائل تهدیدزا در محیط داخلی و همچنین بین‌المللی خود هستند.

کاهش جمعیتی می‌تواند عامل شکل‌گیری چالش‌های فرهنگی و اجتماعی، نظامی و سیاسی برای کشور شود. همچنین افزایش خارج از برنامه جمعیت نیز می‌تواند چالش‌هایی همچون برآورده نشدن نیازها، بحران هویت، عدم کنترل، تراکم عوامل ناامنی و تراکم مجرمان و متخلفان را به دنبال داشته باشد. لذا برای جلوگیری از شکل‌گیری تهدیدها و به مخاطره افتادن امنیت ملی کشور، بایستی با تقویت توان دفاعی کشور، ارتقا کیفی و کمی جمعیت کشور از طریق تعادل در نرخ باروری جامعه، بهره‌گیری از جمعیت جوان در عرصه توسعه کشور اقداماتی از این قبیل، به مقابله با این تهدیدها پرداخت.

منابع

- احمدی پور، زهرا و همکاران (۱۳۸۶)، بررسی روند شتاب توسعه یافتگی فضاهای سیاسی - اداری کشور (مطالعه موردی: استان‌های ایران در برنامه‌های اول تا سوم توسعه (۱۳۶۸-۱۳۸۳)، فصلنامه ژئوپلتیک، سال سوم، شماره اول، صص ۲۲-۴۹.
- بوزان، باری و همکاران (۱۳۸۶)، چارچوبی تازه برای تحلیل امنیت، ترجمه علیرضا طیب، تهران، پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- جلالی، رضا و همکاران (۱۳۹۹)، تغییرات جمعیتی و تأثیر آن بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران، فصلنامه پژوهش‌های سیاسی و بین‌المللی، سال یازدهم، شماره چهل و چهارم، پاییز، صص ۹۹-۱۱۵.
- حاتمی، حسین (۱۳۹۲)، درآمدی بر جمعیت‌شناسی اقتصادی - اجتماعی و تنظیم خانواده، چاپ چهارم، انتشارات دانشگاه بوعلی سینا.
- حافظ‌نیا، محمدرضا (۱۳۸۵)، اصول و مفاهیم ژئوپلتیک، مشهد، انتشارات پاپلی (پژوهشکده امیرکبیر).
- روشندل، جلیل (۱۳۹۴)، امنیت ملی و نظام بین‌المللی، چاپ یازدهم، تهران، انتشارات سمت.
- سبکتکین‌ریزی، قربانعلی (۱۳۸۶) درآمدی بر جامعه‌شناسی جمعیت. تهران: چاپ نقشینه پیمان.
- عباسی اشلقی، مجید (۱۳۸۳)، تحلیل امنیت در پارادایم‌های حاکم بر روابط بین‌الملل، فصلنامه مطالعات راهبردی، سال هفتم، صص ۵۲۵-۵۴۹.
- عباسی شوازی، محمدجلال و عسکری ندوشن، عباس (۱۳۸۴)، تغییرات خانواده و کاهش باروری در ایران، نامه علوم اجتماعی، شماره بیستم، صص ۳۵-۷۵.

- فتوحی، صمد و همکاران (۱۳۹۱)، بررسی و تبیین رابطه بین جمعیت و امنیت، همایش ملی شهرهای مرزی و امنیت؛ چالش‌ها و رهیافت‌ها، دانشگاه سیستان و بلوچستان، صص ۱۶۶۵-۱۶۷۳.
- قاسمی، صالح (۱۳۹۶)، کندو: بررسی ارتباط متقابل جمعیت، اقتصاد و امنیت، تهران، انتشارات خیزش نو.
- کلانتری، فتح الله و سام دلیری، کاظم (۱۳۹۸)، جمعیت و دفاع ملی، تهران، انتشارات دانشگاه و پژوهشگاه عالی دفاع ملی و تحقیقات راهبردی.
- کوشکی، محمدصادق (۱۳۷۸)، تراکم جمعیت و امنیت داخلی ایران، فصلنامه مطالعات راهبردی، شماره پنجم و ششم، صص ۲۸۷-۲۹۱.
- گلدستون، جک (۱۳۹۵)، جمعیت شناسی جمعیت: نقش تغییرات جمعیتی در سیاست ملی و امنیت بین‌المللی، ترجمه یعقوب فروتن، تهران، [موسسه مطالعات و مدیریت جامع و تخصصی جمعیت کشور](#).
- ماندل، رابرت (۱۳۷۷)، چهره متغیر امنیت ملی، ترجمه پژوهشکده مطالعات راهبردی، تهران، پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- شماره ۳، پاییز، صص ۵۲۵-۵۴۹.
- محرابی، علیرضا و همکاران (۱۳۹۲)، تبیین ژئوپلیتیک رشد جمعیت و امنیت ملی ایران، فصلنامه علمی پژوهشی نگرش‌های نو در جغرافیای انسانی، سال پنجم، شماره دوم، صص ۱۴۹-۱۶۷.
- مرادیان، محسن (۱۳۹۰)، مدل‌سازی ریاضی برای سنجش امنیت خارجی مطالعه موردی: جمهوری اسلامی ایران، فصلنامه ژئوپلیتیک، سال هفتم، شماره یک، صص ۱۷۰-۲۰۲.
- ملک‌افضلی، محسن و همکاران (۱۳۸۷)، برنامه‌های تنظیم خانواده در جمهوری اسلامی ایران، (س. پبله وری تدوین)، تهران، نخبگان.

- میرحیدر (مهاجرانی)، دره (۱۳۸۷)، مبانی جغرافیای سیاسی، انتشارات سمت، چاپ چهاردهم.

- میرزایی، محمد (۱۳۸۴)، جمعیت و توسعه با تاکید بر ایران (ده مقاله)، تهران، انتشارات مرکز مطالعات و پژوهش‌های جمعیتی آسیا و اقیانوسیه.

- Goldstone, Jack A. (2002): Population and Security: How Demographic Change Can lead to Violent Conflict, New York, Journal of International Affairs, Fall 2002, Columbia University.

- Philpott, D. (2011), Revolutions in Sovereignty: How Ideas Shaped Modern International Relations, Princeton, NJ: Princeton University Press.

- Sobotka, Tomas. Matysiak, Anna. Brzozowska Zuzanna (2019), Policy responses to low fertility: How effective are they? Publish in https://www.unfpa.org/sites/default/files/pub-pdf/Policy_responses_low_fertility_UNFPA_WP_Final_corrections_7Feb2020_CLEAN.pdf

- Walt, Stephen M. (1992), "The Renaissance of Security Studies", International Studies Quarterly, Vol.35, 45-61.